

مجله مطالعات روانشناسی تربیتی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱/۲۵

دوره ۵، شماره ۱ شهریور ۱۳۸۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۵/۱۵

بررسی موانع خلاقیت در دانش آموزان از دیدگاه معلمان

دکتر سید علیقلی روشن*، دکتر عبدالوهاب پورقاز** و

عبدالباسط مرادزاده***

چکیده

در عصر گسترش روزافزون علوم و فنون و حاکمیت صنایع و تکنولوژی برتر بر همه ی ابعاد و جنبه های زندگی، مسئله ای که بیش از هر چیز دیگر توجه کارگزاران جوامع را به خود جلب کرده است، مسئله ی خلاقیت، نوآوری، هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه های خلاق است. بحث درباره ی خلاقیت به معنای سخن گفتن درباره ی با ارزش ترین و سرنوشت ساز ترین مفاهیم و پدیده هاست. هدف پژوهش حاضر بررسی موانع ایجاد خلاقیت در دانش آموزان مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان است. روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی- پیمایشی و نمونه ی آماری تحقیق شامل ۳۱۰ نفر (۱۲۸ نفر مرد و ۱۸۲ نفر زن) از معلمان مدارس راهنمایی نواحی ۱ و ۲ شهر زاهدان می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ی محقق ساخته استفاده شد. یافته های پژوهش نشانگر این بود که از دیدگاه معلمان کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب، روش های تدریس فعلی معلمان و تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی از عمده ترین موانع خلاقیت در نظام آموزشی ما هستند. همچنین یافته های پژوهش بیانگر این بود که روش های تدریس فعلی معلمان عامل اصلی در عدم خلاقیت دانش آموزان می باشد، اهداف و محتوای کتب درسی و کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی در رتبه های بعدی قرار داشتند و تأکید زیاد بر نمره ی

Email: ASR@hamoon.usb.ac.ir

* عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

** عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

*** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی اگر چه مانع خلاقیت تلقی می شود ولی در بین سایر عوامل در رتبه ی آخر قرار دارد و دارای کمترین اهمیت و تأثیر است.

واژه های کلیدی: موانع خلاقیت، تجهیزات آموزشی، محتوای کتب درسی، شیوه های تدریس، نمره ی دانش آموز



مقدمه

تحولات سریع جوامع در عصر حاضر، موجب تغییر و تحول در اهداف، محتوا، ساختار و روش های آموزش و پرورش شده است. بر خلاف گذشته، دیگر آموزش و پرورش فقط به انتقال دانش و معلومات کلیشه ای و تقویت حافظه توجه ندارد، بلکه توسعه ی حس انتقاد و قضاوت صحیح، تقویت مهارت های زندگی اجتماعی و به طور کلی شخصیت سالم، اهداف اصلی آموزش و پرورش را تشکیل می دهند (سام خانیان، ۱۳۸۱: ۸۹).

با پرورش خلاقیت در دانش آموزان می توان دیدگاه آنان را نسبت به محیط اطراف گسترش داد و بینش آنان را دقیق تر، نگاه آنان را به طبیعت منطقی و روابط آنان با انسان ها را اخلاقی و انسانی تر نمود. بنابراین اگر قبول کنیم که بزرگترین سرمایه ی یک کشور، نیروهای متفکر و خلاق آن کشور است، هر گونه هزینه در عرصه ی پرورش خلاقیت دانش آموزان، سرمایه گذاری بزرگ و ماندگاری است که دنیای فعلی ما را خواهد ساخت و آیندگان از ثمرات ارزشمند آن بیشتر بهره مند خواهند شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۸).

پرورش خلاقیت کودکان کار آسانی نیست و به اعتقاد، عزم راسخ و تعهد والدین و مربیان نیاز دارد. تمام کودکان نمونه های خارق العاده ای هستند، آنها می توانند خلاق بوده و در بزرگی نیز می توانند خلاق باقی بمانند. خلاقیت تنها مختص افراد استثنایی و تیزهوش نیست، هر چند ممکن است این افراد دارای نیروی بالقوه بیشتری برای استفاده در راههای خلاق باشند (آمابلی، ۱۳۷۷: ۷). بسیاری چنین می پندارند که ابداع، خصوصیت ذاتی برخی افراد است که با این نوع توانایی متولد می شوند، در صورتی که مدت ها ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به

اندازه‌ی حافظه عمومیت دارد. می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معینی، با ایجاد طرز فکرهای جدید، با اجتناب از عادات و عواملی که این استعدادها را خفه می‌کند و با کاربرد مداوم آن پرورش داد (اسبورن، ۱۳۷۱: ۱۸). در میان عناصر و عوامل موثر آموزشی، معلمان نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. معلمان می‌توانند خلاقیت را در دانش آموزان نیز پرورش دهند (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۳). بنا به گفته‌ی استرانگ^۱ بهترین ملاک اثر بخشی معلم، هدایت یادگیری دانش آموزان است. در واقع معلم، از راه آموزش، در تجارب یادگیری دانش آموزان دخل و تصرف می‌کند تا بر یادگیری آنان تأثیر بگذارد (استرانگ، ۲۰۰۶: ۱۱).

معلمی که وظیفه‌ی اصلی خویش را انتقال مستقیم مطالب درسی بدون مشارکت دانش آموزان در فرایندهای کلاسی می‌داند عملاً سبب از بین رفتن زمینه‌های خلاقیت در دانش آموزان خواهد شد. سیدل^۲ و شاولسون^۳ بر همین اساس گفته‌اند: آموزش به عنوان ابزار خلق محیط‌های یادگیری که در آن فعالیت‌های مورد نیاز یادگیرندگان برای ساخت دانش و کسب توانایی تفکر به حداکثر می‌رسد، تعریف می‌شود (سیدل و شاولسون، ۲۰۰۷: ۴۵۸). معلم نباید تنها با روش آموزش مستقیم، به انتقال دانش و معلومات به یادگیرنده بسنده کند، بلکه باید کلاس را به گونه‌ای سازمان دهد که یادگیرندگان از طریق ارتباط فعال خود با موضوع درسی، یاد بگیرند. یعنی باید آنان را تشویق و تحریک کند تا به تجربه و آزمایش دست بزنند و از این راه دانش علمی را برای خود کشف نمایند (برونر، ۱۹۶۶: ۷۲).

در پژوهش حاضر مهمترین موانع ایجاد خلاقیت در دانش آموزان از دیدگاه معلمان بررسی خواهد شد. آگاهی از این نکته که مهمترین مؤلفه‌های خلاقیت مرتبط با کار معلمان چه می‌باشند ضروری است. عوامل بی شماری در ایجاد یا بازدارندگی خلاقیت دخیل هستند اما بر اساس تحقیقات صورت گرفته عمده ترین عواملی که ارتباط مستقیم با خلاقیت یا عدم خلاقیت دانش آموزان دارند، عبارتند از: امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی، شیوه‌های

¹-Strong

²-Seidel

³-Shavelson

تدریس معلمان و میزان تأکید معلمان بر معیار قرار دادن نمره دانش‌آموزان به عنوان ملاک ارزشیابی.

در آموزش و پرورش ایران مواد و وسایل آموزشی به جز کتاب درسی در حاشیه‌ی آموزش قرار دارند و علیرغم وجود بعضی از وسایل و مواد مختلف در مدرسه، به ندرت از آنها استفاده می‌شود. در مواردی نیز که از این وسایل استفاده می‌شود، دانش‌آموزان به طور غیر فعال به مشاهده‌ی جریان آزمایشات که توسط معلم انجام می‌شود، می‌پردازند. در مواردی نادر که چند تن از دانش‌آموزان به آزمایش می‌پردازند همان کاری را انجام می‌دهند که دستورالعمل آن قبلاً به آنها داده شده است. چنین رویه‌ی ای، ابتکار، کنجکاوی، اعتماد به نفس، انگیزه تلاش و کوشش و بالاخره خلاقیت و نوآوری را از بین می‌برد (فرنودیان، ۱۳۷۰: ۱۱).

کتاب‌های درسی عمده‌ترین منبع یادگیری دانش‌آموزان است و در صورتی که محتوای کتاب‌های درسی همسویی مستقیم با اهداف برنامه درسی نداشته باشد، تحقق این اهداف نیز غیر ممکن است (صفوی، ۱۳۶۵: ۲۴). اگر محتوا فقط منتقل‌کننده‌ی حقایق و واقعیات علمی باشد، جز حفظ طوطی‌وار مفاهیم علمی نتیجه‌ای نخواهد داشت و لازم است دانش‌آموزان را به گونه‌ای بار آوریم که به نوعی روش خودآموزی و یادگیری خودکار برسند (لوی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

طرح کتاب درسی در ایران بیشتر محتوا محور بوده و غالباً نقش انتقال دادن یک سویی محتوا را از مؤلف به دانش‌آموز دارد. دانش‌آموز به هنگام خواندن کتاب کمتر به انجام فعالیت‌های ذهنی، تحلیل مسایل و مفهوم‌سازی دعوت می‌شود و زحمت انجام این فعالیت‌ها را چنانچه مطرح شوند، کلاً مؤلف به عهده می‌گیرد و نتایج آنها را در پیش روی دانش‌آموزان قرار می‌دهد. این گونه انتقال محتوا متأسفانه در کتاب‌های نظام جدید آموزشی به خوبی دیده می‌شود (ملکی، ۱۳۷۴: ۲۴۱).

اگر چه شرایط و امکانات آموزشی از جمله عوامل موثر در جریان یادگیری می‌باشند، اگر معلم با اصول و مبانی، هدف‌های آموزش و پرورش، ویژگی‌های شاگردان و نیاز آنان، روش‌ها و فنون تدریس و معایب و محاسن هر روش‌آشنایی نداشته باشد، هرگز قادر نخواهد بود زمینه‌ی شکوفایی استعداد و پرورش خلاقیت شاگردانش را فراهم کند (شعبانی، ۱۳۷۱: ۳۰). سبک اداره‌ی کلاس توسط معلم باید سبک اقتدارگرایی آزاد منشانه یا دموکراسی قانون مدارانه باشد.

در مجموع این سبک به دانش آموزان بیشتر از سبک های مستبدانه و آزاد گذاری فایده می‌رساند و به آنان کمک می‌کند تا به صورت یادگیرندگان فعال و خود سامان‌گر (خود نظم دهنده) بار آیند (سانتروک، ۲۰۰۴: ۴۵۹).

ارزشیابی آموزشی، جزء ذاتی فرایند یاددهی، یادگیری است و از آن جهت برای معلم اهمیت دارد که انبوهی از اطلاعات را برای تنظیم فعالیت های بعدی کلاس در اختیار او می‌گذارد. بنابراین ارزشیابی آموزشی، روشی مستمر و پویا برای شناسایی خطاها و کمبود های فرایند یاددهی و یادگیری است (کدیور، ۱۳۸۲: ۲۴۸). متأسفانه برخی از معلمان از امتحان به عنوان یک ابزار قدرت استفاده می‌کنند و با ایجاد زمینه های نامطلوب آموزشی، نوعی نگرانی و وحشت از امتحان برای همیشه در اذهان شاگردان باقی می‌گذارند و زمینه ی نوآوری و خلاقیت را در دانش آموزان از بین می‌برند (شعبانی، ۱۳۷۱: ۳۸۷).

با تأملی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان دریافت که فاصله ما با آنچه می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه ی خلاقیت را در کودکان و نوجوانان فراهم آورد، بسیار زیاد است. بنابراین پژوهش درباره ی عناصر گوناگون آموزش و نقش آنها در پرورش نیروی خلاقیت دانش آموزان و همچنین شناسایی موانع و عوامل بازدارنده ی خلاقیت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در اکثر تحقیقاتی که در زمینه ی خلاقیت صورت گرفته است، تأثیرات وجود یا عدم وجود این عوامل بر خلاقیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

حسینی (۱۳۷۶) در یک مقاله‌ی پژوهشی «عوامل و موانع رشد خلاقیت» را مورد بررسی قرار داده است و به صورت زیر نتیجه گیری می‌کند:

۱- هر چند توانایی خلاقیت به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور، رشد و توسعه ی آن وابسته به عوامل مختلف فردی، اجتماعی و غلبه بر موانع فردی و اجتماعی است. ۲- از بین عوامل مختلف آموزش خلاق، فکر کردن و انگیزه از اهمیت خاصی برخوردار است.

در تحقیقی که توسط جعفری (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی عوامل بازدارنده ی خلاقیت در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان» صورت گرفته است، نتایج زیر به دست آمده است:

۱- مهمترین عوامل پیش بینی کننده‌ی کاهش خلاقیت دانش آموزان، کاهش شرکت معلمان در دوره های ضمن خدمت، کاهش سابقه ی معلم و استفاده ی معلم از روش سخنرانی در تدریس بوده است. ۲- رابطه ی معنادار معکوسی بین مدرک تحصیلی، سابقه ی تدریس و دوره‌های آموزش ضمن خدمت و میزان استفاده ی معلم از تنبیه وجود دارد. به عبارت دیگر معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین تری بوده اند و سابقه ی کمتری در آموزش و پرورش دارند، بیشتر از تنبیه استفاده می کنند. همچنین هرچه معلمان در دوره های کمتری شرکت کرده باشند از متغیر تنبیه بیشتر استفاده می کنند. ۳- بین میزان حضور معلم در دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی و میزان استفاده ی آنان از روش سخنرانی رابطه ی معکوس وجود دارد. یعنی هر چه معلمان دوره های کمتری دیده و در کارگاههای کمتری شرکت نموده باشند، میزان استفاده ی آنان از روش سخنرانی بیشتر است. ۴- معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین تری هستند به میزان بیشتری از ارزشیابی نهایی (امتحان) استفاده می کنند. تحقیقی با عنوان "بررسی زمینه های خلاقیت در پرسش ها و تکالیف درسی جامعه شناسی ۱ و ۲، روانشناسی، دانش اجتماعی و آشنایی با برنامه ریزی تحصیلی و شغلی نظام جدید متوسطه" توسط ادیب (۱۳۷۹) انجام گرفته که نتایج زیر حاصل شده است:

۱- در کتاب های دانش اجتماعی و جامعه شناسی ۱ و ۲ بیشترین پرسش ها و تکالیف در سطح تفکر همگرا و حافظه ارایه شده اند و به شکل مطلوبی به خلاقیت ذهنی نیز توجه شده است. ۲- در کتاب های روانشناسی و برنامه ریزی تحصیلی، شغلی بیشترین پرسش ها و تکالیف در سطح حافظه ارایه شده و به تفکر واگرا و خلاقیت ذهنی توجه بسیار اندکی شده است. ۳- در میزان توجه به خلاقیت ذهنی بر اساس نظریه گیلفورد و گانیه در پرسش ها و تکالیف درسی کتاب های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

مطالعه‌ی شهرآرا (۱۳۷۴) نشان داده است: پرورش دهندگان خلاقیت از امکانات سمعی و بصری، کامپیوتر، کانال های ارتباطی و دیگر وسایل آموزشی بیشتر بهره می گیرند و یادگیری را با استفاده از حواس مختلف فعالتر می کنند. نتیجه ی دیگر اینکه آنها طبیعت را فضایی مناسب برای یادگیری و خلاقیت می دانند و فراگیران را به مشاهده ی پدیده های طبیعی، مراکز علمی، فرهنگی، هنری و ... هدایت می کنند.

لفرانکوویس^۱ (۱۹۶۷) نشان داد که آموزگاران صمیمی با ظرافت طبع، بیش از آموزگارانی که به عنوان افراد با انضباط و منظم توصیف می شوند، رفتار خلاق را در دانش آموزان خود تشویق می کنند.

آزبورن^۲ (۱۹۷۵) با ابداع روش بارش مغزی^۳ در کتاب خود، آن را روش مناسبی برای پرورش خلاقیت دانش آموزان می داند (سام خانیان، ۱۳۸۱: ۴۳).

در پژوهش حاضر سعی بر این است که چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر خلاقیت دانش آموزان، از دیدگاه معلمان، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی موانع ایجاد خلاقیت در دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر زاهدان، از دیدگاه معلمان می باشد.

برای دستیابی به هدف فوق سؤالات زیر مورد آزمون قرار گرفت:

- ۱- آیا کمبود وضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می گردد؟
- ۲- آیا اهداف و محتوای کتب درسی فعلی، مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟
- ۳- آیا آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه های تدریس خلاق، مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟
- ۴- آیا تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی، مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟
- ۵- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۶- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

^۱-Lefrankowis

^۲-Alex Asborn

^۳-Brainstorming

۸- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تأکید زیاد بر نمره دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

با توجه به هدف « بررسی موانع خلاقیت در دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر زاهدان از دیدگاه معلمان »، روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد. جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه ی معلمان مدارس راهنمایی دخترانه و پسرانه شهر زاهدان در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ به تعداد ۱۱۳۱ نفر می باشد.

نمونه ی آماری این پژوهش ۳۱۰ نفر از معلمان مدارس راهنمایی دخترانه و پسرانه ی شهر زاهدان (۲۸ مرد و ۱۸۲ زن) می باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. بدین صورت که نسبت جامعه با توجه به جنسیت، سطح تحصیلات و نوع درسی که معلمان تدریس می‌کنند؛ در نمونه لحاظ گردید و بر این اساس بین معلمین نمونه ی مورد بررسی، پرسشنامه توزیع گردید.

برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ی محقق ساخته، حاوی ۳۵ سؤال بسته پاسخ بر اساس طیف لیکرت استفاده شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه ها، سؤالات در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران قرار گرفت و از آنها درخواست شد در مورد مرتبط و مناسب بودن سؤالات در ارتباط با هدف و سؤالهای پژوهش نظر دهند. در نهایت سؤالاتی در پرسشنامه به کار گرفته شد که توسط اساتید مناسب و مرتبط تشخیص داده شدند (از ۴۷ سؤال طرح شده، ۳۵ مورد مناسب تشخیص داده شدند). برای برآورد پایایی پرسشنامه‌ی مورد استفاده در پژوهش حاضر، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور پرسشنامه روی ۳۰ نمونه اجرا شد و پایایی به دست آمده برای فرضیه اول یعنی کمبود و ضعف امکانات آموزشی با ۱۰ آیتم، ضریب آلفای ۰/۷۰٪، برای فرضیه دوم یعنی اهداف و محتوای کتب درسی با ۸ آیتم، ضریب آلفای ۰/۸۶٪ و برای فرضیه سوم یعنی عدم آشنایی معلمان با شیوه های تدریس خلاق با ۱۰ آیتم، ضریب آلفای ۰/۸۴٪ و برای فرضیه چهارم یعنی تأکید زیاد بر نمره دانش آموز با ۷ آیتم، ضریب آلفای ۰/۸۱٪ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش با توجه به ماهیت داده ها و مقیاس اندازه گیری از آمار توصیفی (شامل تنظیم جداول، نمودار، درصد و میانگین) و آمار استنباطی (آزمون t تک گروهی برای آزمون سؤالهای اصلی پژوهش یعنی سؤالهای ۱ تا ۴)، و همچنین آزمون t گروههای مستقل برای بررسی متغیرهای دموگرافیک یعنی سؤالهای ۵ تا ۸ استفاده گردید.

یافته ها

در بررسی سؤال های ۱ تا ۴ نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱: نتایج آزمون t تک گروهی برای سؤالهای ۱ تا ۴ پژوهش

سؤالات	تعداد	میانگین	میانگین ملاک	انحراف معیار	t	df	Sig.
سؤال ۱: آیا کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می گردد؟	۳۱۰	۳/۳۸۹	۳	۰/۷۱۸	۹/۵۵۵	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۲: آیا اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟	۳۱۰	۳/۵۳۵	۳	۰/۷۵۶	۱۲/۴۷۰	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۳: آیا عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه های تدریس خلاق، مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟	۳۱۰	۳/۵۵۹	۳	۰/۶۹۳	۱۴/۲۰۹	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۴: آیا تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود؟	۳۱۰	۳/۱۴۴	۳	۰/۸۱۰	۳/۱۴۴	۳۰۹	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۱ بیانگر این است که تمامی عوامل مورد بررسی با درجه ی آزادی ۳۰۹ در سطح بالاتر از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار بوده ($p < ۰/۰۱$) و عواملی همچون: کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب، عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه های تدریس خلاق و تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی مانع رشد خلاقیت دانش آموزان می شود. به عبارت دیگر، یافته های پژوهش بیانگر این است که روش های تدریس فعلی معلمان عامل اصلی در عدم خلاقیت دانش آموزان

می‌باشد، اهداف و محتوی کتب درسی نامناسب، و کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی در رتبه های بعدی قرار داشته و تأکید زیاد بر نمره‌ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی اگر چه مانع خلاقیت تلقی شده ولی در بین سایر عوامل در رتبه‌ی آخر قرار داشته و دارای کمترین اهمیت و تأثیر است.

سؤال پنجم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۲: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال پنجم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری		
							جنسیت	سطح تحصیلات
زن	۱۸۲	۳/۵۹	٪۹۶۲	۱/۰۶۱	۳۰۸	۰/۲۹۰	جنسیت	
	۱۲۸	۳/۴۸	٪۸۹۶				مرد	
فوق دیپلم لیسانس	۱۸۸	۳/۴۳	٪۹۰۸	-۲/۷۲	۳۰۸	۰/۰۰۷	سطح تحصیلات	
	۱۲۲	۳/۷۲	٪۹۵۳				لیسانس	
نظری عملی	۱۵۹	۳/۶۱	٪۹۳۳	۱/۱۲۹	۳۰۸	۰/۲۶۰	نوع درس	
	۱۵۱	۳/۴۹	٪۹۳۷				عملی	

نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که تفاوتی بین میانگین پاسخگویان (معلمین) به لحاظ جنسیت و ماهیت دروس وجود ندارد و t محاسبه شده هم به لحاظ آماری معنادار نمی باشد ($p > 0/05$). در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم ۳/۴۳ و پاسخگویان لیسانس ۳/۷۲ است. t به دست آمده (-۲/۷۲) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۵ از مقدار بحرانی جدول (۱/۹۶) بزرگتر بوده، لذا تفاوت به لحاظ آماری معنادار می باشد. یعنی نگرش پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات آنان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان یکسان نیست.

سؤال ششم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر نوع اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۳: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد سؤال ششم

سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	ویژگی	
						جنسیت	سطح تحصیلات
۰/۰۱۰	۳۰۸	۲/۶۰۴	%۸۹۳	۳/۵۷	۱۸۲	زن	جنسیت
				۳/۲۹	۱۲۸	مرد	
۰/۰۰۵	۳۰۸	-۲/۸۱	%۹۳۷	۳/۳۴	۱۸۸	فوق دیپلم	سطح تحصیلات
				۳/۶۳	۱۲۲	لیسانس	
۰/۰۸۸	۳۰۸	-۱/۷۰۹	%۹۲۴	۳/۳۷	۱۵۹	نظری	نوع درس
				۳/۵۴	۱۵۱	عملی	

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که میانگین پاسخگویان زن برابر با ۳/۵۷ و پاسخگویان مرد برابر با ۳/۲۹ است. t به دست آمده (۲/۶۰۴) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۱ به لحاظ آماری معنادار می باشد.

در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم و پاسخگویان لیسانس ۳/۶۳ است. t به دست آمده (-۲/۸۱) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۱ به لحاظ آماری معنادار می باشد.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می کنند ۳/۳۷ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می کنند ۳/۵۴ است. t به دست آمده (-۱/۷۰۹) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار نمی باشد.

سؤال هفتم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر نوع روش های تدریس معلمان بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۴: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد سؤال هفتم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	زن	۳/۸۵	٪۸۹۲	۲/۰۳	۳۰۸	۰/۰۴۳
	مرد	۳/۶۴	٪۸۸۳			
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۵۷	٪۸۵۸	-۴/۹۸	۳۰۸	۰/۰۰۰
	لیسانس	۴/۰۷	٪۸۶۴			
نوع درس	نظری	۳/۷۱	٪۹۳۶	-۱/۲۲	۳۰۸	۰/۲۲۴
	عملی	۳/۸۳	٪۸۴۴			

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که میانگین پاسخگویان زن برابر با ۳/۸۵ و پاسخگویان مرد برابر با ۳/۶۴ است. t به دست آمده (۲/۰۳) با درجه ی آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار می باشد.

در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم ۳/۵۷ و پاسخگویان لیسانس ۴/۰۷ است. t به دست آمده (-۴/۹۸) با درجه ی آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۱ به لحاظ آماری معنادار می باشد.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می کنند ۳/۷۱ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می کنند ۳/۸۳ است. t به دست آمده (-۱/۲۲) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار نمی باشد.

سؤال هشتم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۵: نتایج آزمون t گروههای مستقل در مورد سؤال هشتم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	زن	۳/۰۳	۱/۰۵	-۰/۹۹۸	۳۰۸	۰/۳۱۹
	مرد	۳/۱۴	۰/۹۳			
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۰۶	۱/۰۰۰۶۳	-۰/۳۶۶	۳۰۸	۰/۷۱۵
	لیسانس	۳/۱۰	۱/۰۱			
نوع درس	نظری	۳/۱۹	۰/۹۳	۲/۰۷	۳۰۸	۰/۰۳۹
	عملی	۲/۹۶	۱/۰۶۳			

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که بین میانگین پاسخگویان به لحاظ جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$). یعنی نگرش پاسخگویان در مورد تأثیر تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات یکسان است.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می کنند ۳/۱۹ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می کنند ۲/۹۶ است. t به دست آمده (۲/۰۷) با درجه ی آزادی ۳۰۸ در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار می باشد.

بحث

بر اساس یافته های پژوهش در رابطه با سؤال یک، می توان چنین نتیجه گیری کرد که از دیدگاه معلمان کمبود و یا ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش آموزان است. بنابراین می توان استنباط کرد، چنانچه معلمان و دانش آموزان

به امکانات، تجهیزات و وسایل کمک آموزشی مناسب از قبیل امکانات آزمایشگاهی، سی دی های آموزشی، کتابهای مرتبط با موضوع درسی، کامپیوتر و سیستم های رایانه ای و امکانات ورزشی مناسب دسترسی داشته، فضای فیزیکی مدارس، فضای مستعدی برای رشد خلاقیت باشد، همچنین دانش آموزان به اردوهای آموزشی و تفریحی، متناسب با محتوای کتاب ها، دروس و برنامه های آموزشی برده شوند، زمینه برای رشد خلاقیت در دانش آموزان مهیا می شود. یافته های پژوهش حاضر در ارتباط با این سؤال با بعضی از یافته های تحقیق شهرآرا (۱۳۷۴) که بیان می کند پرورش دهندگان خلاقیت از امکانات سمعی و بصری، کامپیوتر، کانالهای ارتباطی و دیگر وسایل آموزشی بیشتر بهره می گیرند، همسویی دارد.

یافته های پژوهش در رابطه با سؤال دو نشان داد که از دیدگاه معلمان اهداف و محتوای کتب درسی به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش آموزان است. بنابراین می توان نتیجه گرفت هر گاه محتوا فقط منتقل کننده ی حقایق و واقعیات علمی باشد، جز حفظ طوطی وار مفاهیم علمی نتیجه ای نخواهد داشت. محتوا زمانی قابل یادگیری است که با توجه به دانش پیشین دانش آموزان و تفاوت های فردی آنها انتخاب شده باشد. متأسفانه اکثر پژوهش های انجام گرفته در زمینه ی محتوای کتاب های درسی در نظام آموزش و پرورش ایران می رساند که طراحی اکثر کتاب های درسی بیشتر محتوا محور بوده و بیشتر نقش انتقال یک سوبه ی محتوا را از معلم به دانش آموز دارد. نتایج پژوهش حاضر در ارتباط با سؤال فوق با نتایج تحقیق ادیب (۱۳۷۹) که بیان می کند در کتاب های دانش اجتماعی، جامعه شناسی، روانشناسی و برنامه ریزی تحصیلی بیشترین پرسش ها و تکالیف در سطح حافظه ارائه شده و به تفکر واگرا و خلاقیت ذهنی توجه بسیار اندکی شده است، مطابقت دارد.

در رابطه با سؤال سوم بر اساس یافته های پژوهش، می توان چنین نتیجه گیری کرد که از دیدگاه معلمان عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه های تدریس خلاق به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش آموزان است. بنابراین می توان استنباط کرد چنانچه معلمان از نظریه ها و اصول یادگیری و شیوه های تدریس خلاق شناختی نداشته باشند و تدریس را تنها انتقال واقعیت های علمی بدانند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن

و حفظ کردن مطالب شنیده شده در کتاب تصور کنند، مسلم است که در تقویت حس کنجکاوی و پرورش خلاقیت دانش آموزان چندان موفقیتی به دست نخواهند آورد. یافته های پژوهش حاضر در رابطه با این سؤال با نتایج تحقیقات جعفری (۱۳۸۳)، لفرانکوئیس (۱۹۶۷)، که بیان می کنند هر چه معلمان دوره های کمتری دیده و در کارگاههای آموزشی کمتری شرکت نموده باشند، از روش سخنرانی بیشتر استفاده می کنند. همچنین آموزگاران صمیمی با ظرافت طبع، بیش از آموزگارانی که به عنوان افراد با انضباط و منظم توصیف می شوند، رفتار خلاق را در دانش آموزان خود تشویق می کنند، مطابقت دارد.

یافته های پژوهش در رابطه با سؤال چهارم بیانگر این بود که از دیدگاه معلمان، تأکید زیاد بر نمره ی دانش آموز به عنوان ملاک ارزشیابی، به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش آموزان است. بنابراین می توان استنباط کرد، معلمانی که امتحان را به عنوان اهرم قدرت برای ارباب دانش آموزان تلقی کرده و از آن صرفاً برای رتبه بندی و ارتقای دانش آموزان از کلاسی به کلاس دیگر استفاده می کنند، عملاً باعث از بین رفتن خلاقیت در دانش آموزان می شوند. در حالیکه امتحان می تواند وسیله ای برای ایجاد رغبت در شاگردان برای یادگیری بهتر، تشخیص اینکه شاگردان تا چه اندازه به اهداف تعیین شده دست یافته اند، شناخت تفاوت های فردی شاگردان و ارزیابی معلم از کار و عملکرد خودش به منظور ادامه یا اصلاح روش های به کار گرفته شده باشد. نتایج پژوهش در رابطه با سؤال فوق با بعضی از نتایج تحقیق جعفری (۱۳۸۳) که بیان می کند معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین تری هستند به میزان بیشتری بر ارزشیابی نهایی (امتحان) تأکید می کنند، مطابقت دارد.

در ارتباط با سؤال پنجم پژوهش، نتایج بیانگر این بود که بین نگرش معلمان با توجه به سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان لیسانس تأثیر کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده اند. ولی بین نگرش آنها با توجه به جنسیت و نوع درس تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده نگردید.

نتایج پژوهش در ارتباط با سؤال ششم، بیانگر این بود که بین نگرش معلمان با توجه به جنسیت و سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان زن و معلمان با مدرک لیسانس تأثیر اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده اند. اما بین نگرش آنها با توجه به نوع درس تفاوت معناداری وجود ندارد.

در ارتباط با سؤال هفتم، نتایج بیانگر این بود که بین نگرش معلمان با توجه به جنسیت و سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان زن و معلمان با مدرک لیسانس تأثیر عدم آشنایی معلمان بر شیوه های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده اند. اما بین نگرش آنها با توجه به نوع درس تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین نتایج تحقیق در ارتباط با سؤال هشتم، بیانگر این بود که بین نگرش معلمان با توجه به نوع درس، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمانی که دروس نظری تدریس می کنند، تأثیر تأکید زیاد بر نمره دانش آموز بر خلاقیت را به مقدار بیشتری احساس کرده اند. اما بین نگرش آنها با توجه به جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد.



منابع

- ۱- آمابلی، ت. (۱۳۷۷). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه قاسم زاده، ح. و عظیمی. پ. تهران: انتشارات دنیای نو
- ۲- ادیب، ی. (۱۳۷۹). بررسی میزان توجه به ایجاد خلاقیت های ذهنی در کتب درسی دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۷۹. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳- اسبورن، ا. (۱۳۷۱). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه قاسم زاده، ح. تهران: انتشارات دنیای نو
- ۴- جعفری، نرگس. (۱۳۸۳). بررسی عوامل بازدارنده خلاقیت در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان. پژوهشکده تعلیم و تربیت زاهدان.
- ۵- حسینی، ا. ا. (۱۳۷۶). چگونگی پرورش خلاقیت در دانش آموزان. تهران: انتشارات رشد معلم
- ۶- سام خانیان، م. ر. (۱۳۸۱). خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات اسپند.
- ۷- شعبانی، ح. (۱۳۷۱). مهارت های آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
- ۸- شهرآرا، م. (۱۳۷۴). خصوصیات پرورش دهندگان پویایی و خلاقیت. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۴، بهار ۱۳۷۴، ۷۴-۵۴.
- ۹- صفوی، ا. ا. (۱۳۶۵). کلیات روش ها و فنون تدریس. تهران: انتشارات معاصر.
- ۱۰- قاسمی، ف. (۱۳۸۰). راهبردهایی برای پرورش خلاقیت در معلمان و دانش آموزان "اولیا و مربیان". تهران: انتشارات آزمون نوین.
- ۱۱- فرنودیان، ف. ا. (۱۳۷۰). محتوای درسی و پرورش خلاقیت دانش آموزان. مجله رشد و تکنولوژی آموزشی، شماره ۷.
- ۱۲- کدیور، پ. (۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- لفرانکوویس، گای آر (۱۹۶۷) روانشناسی برای آموزش. مترجم: منیژه شهینی ییلاق. انتشارات رشد.
- ۱۴- لوی، ا. (۱۳۶۹). برنامه ریزی درسی مدارس. ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه.
- ۱۵- ملکی، ح. (۱۳۷۴). سازماندهی محتوای برنامه درسی. تهران: نشر قو.

- 16- Bruner, J. S. (1966). *Towards a Theory of Instruction*. New York: Norton
- 17- Santrock, J. W. (2004). *Educational Psychology*. New York: McGraw-Hill
- 18- Seidel, T. & Shavelson, R. J. (2007). Teaching Effectiveness Research In The Past Decade: The Role of Theory And Research In Disentangling Meta-Analysis In Results. *Review of Educational Research*, 77, 4, 454-499
- 19- Strong, J. H. (2006). *Teacher Evaluation and School Improvement*. In Strong, J.H.(Ed), *Evaluating Teaching*. Thousand Oaks, CA: Grow press